



معاون اول رئیس جمهوری:

فهرست بلندبالایی از مشکلات پیش روی ماست

گروه سیاست: معاون اول رئیس جمهوری روز گذشته در جلسه ستاد اقتصادی ساماندهی مسائل ارزی کشور، با اشاره به منابع و ذخایر ارزی و فلزات گرانبهای بانک مرکزی گفت: «نظام بانکی کشور باید با برنامه‌ریزی و مدیریت نقدینگی موجود کشور...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ • ۳۰ رجب ۱۴۳۹ • ۱۷ آوریل ۲۰۱۸



رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با انتقاد از **تصمیمات ارزی دولت احمدی نژاد**، از دولت خواست حساب سپرده ارزی را تضمین کند

کلاهبرداری ارزی

صفحه ۵



فدریکا موگرینی: حفظ برجام حیاتی است

تحریم تازه تصویب نشد

صفحه ۳

صالحی در مراسم رونمایی از کتاب خاطرات خود:

می‌خواستیم سیگار فروش شوم

گروه سیاست: «گذری در تاریخ»: دیروز مراسم رونمایی از کتاب خاطرات علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی، برگزار شد. این نشست با حضور صالحی، بهروز گمالوندی، سخنگو سازمان انرژی اتمی، علی‌اصغر موسان، رئیس سازمان میراث فرهنگی...

صفحه ۱۵

سال پانزدهم • شماره ۳۱۲۵ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

متفقین در برابر سوریه

فریدون مجلسی • تحلیلگر روابط بین‌الملل



موشک‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه با همکاری و هماهنگی به اهداف خود در سوریه حمله کردند و حتی کانادا که به انتخاب نخست‌وزیر جدیدش

خوش‌بین بودیم، از این اقدام حمایت کرد. در برخی از گفت‌وگوهای مطبوعاتی در برابر این پرسش که آیا ایران می‌تواند اروپا را در برابر آمریکا قرار دهد، پاسخ این بوده است که وابستگی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اروپا و آمریکا بیش از آن است که ایران بتواند با اثرگذاری در آن، اروپا را در برابر آمریکا قرار دهد. وقتی نخست‌وزیر جدید کانادا با حضور دو نماینده ایرانی در مجلس کانادا، انتخاب شد، این امید ایجاد شد که گشایشی در روابط با آن کشور پدید آید. گره اصلی به قتل زهرا کاظمی، روزنامه‌نگار ایرانی و کانادایی، باز می‌گردد که با وجود ایرادهای برخی مقامات قضائی درباره نقش قاضی مرتضوی، هرگز به‌طور شفاف اقدامی آشتی‌جویانه و تلاشی برای دلجویی بازماندگانش نشد. انتخاب ترامپ به ریاست‌جمهوری آمریکا که بیشترین رابطه اقتصادی و استراتژیک را با کانادا دارد، مزید بر علت شد تا مواضع اتسوا تغییر کند. در ماه‌های اخیر درگذشت دکتر کاووس سیدامامی، استاد ایرانی-کانادایی جامعه‌شناسی و فعال محیط زیست، در شرایطی خظیر در زندان اوین روابطی را که در صورت بهبود می‌توانست گشایش اقتصادی مهمی برای ایران و با توجه به صدها هزار ایرانی‌تبار کانادایی فراهم کند، به بن‌بست کشاند. رابطه با آمریکا دقیقاً تابع سیاست و دیدگاه جمهوری اسلامی در مورد اسرائیل است. اما درباره اروپا که امید می‌رفت حمایت بیشتری از بقای برجام و بهره‌مندی اقتصادی واقعی از آن کند، روابط ظاهراً به دلیل برخی دوگانگی‌ها در سیاست خارجی با بن‌بست مواجه شد. در واقع تردیدی نیست که دولت ایران از ابتدای انتخاب آقای روحانی خواهان اصلاح روابط بوده است. روابط، مستلزم توانایی مذاکره با طرف مقابل است که به نتیجه مثبت در قالب برجام انجامید، اما دولت ترامپ که موفقیت خود را تا حدودی مدیون تندروی دل‌پایسان ایرانی است، از آغاز سیاست خود را بر پایه عقد اخوت با اسرائیل نهاد که اکنون پول عربستان نیز بر آن افزوده است، بی‌آنکه در رابطه واقعی آنان با ایران بهبودی حاصل شده باشد. ولیعهد عربستان در این میان نقش مخربی برعهده گرفته و هرکدام از متفقین غربی را با قراردادی دل‌خوش کرده است که مقابله با آن از کیسه ایران بر نمی‌آید. همین چند روز پیش بود که بدر عربستان با شرکت توتال طرف قرارداد ایران در گاز پارس جنوبی قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری بست تا خطایر اسلامی در حما، بهانه‌جویی کودکان‌های با نظر می‌رسد، همچنان که نخست‌وزیر انگلیس در ابراز دلیل مشارکتش در حمله موشکی به سوریه، تنبیه روسیه را هم به خاطر کاربرد اسبیری محتوی گاز سعی به قفسد از بین بردن دو نفر از اتباعش که در بریتانیا پناهنده بودند، افزود: حمله با موشک به سوریه به خاطر استفاده از اسبیری علیه دو نفر در لندن!

صفحه ۲

تیتراها

دادستان سابق همچنان متواری است

تکذیب سفر شمال و خروج مرتضوی از کشور

صفحه ۱۵

ورود ۶ هزار خودروی ممنوعه به کشور

صفحه ۴

وزیر جهاد کشاورزی در دولت نهم

احمدی نژاد از مسیر انقلاب خارج شده است

صفحه ۵

سیادت ملکه الیزابت جعلی است

صفحه ۱۵

عضو فراکسیون امید

با اشاره به تلاش‌ها برای شهردار شدن محسن هاشمی:

راه عهدشکنی را باز نکند

صفحه ۲

حرف اول

سوداگری؛ پاشنه آشیل ارز

ناهد خدگرمی • عضو شورای شهر تهران



اگر مدیریت سیاسی- فرهنگی کشور دافع سرمایه نبود و نگاه سوداگرانه و کوتاه‌مدت به اقتصاد وجود نداشت، سناریوی تکراری و گشدار خروج بی‌بازگشت و یک‌طرفه ارز از کشور حادث نمی‌شد و نوسانات ارز جامعه را این‌چنین دچار التهاب نمی‌کرد. بجران گران‌شدن ناگهانی ارز، داستانی تکراری با ریشه‌های مشابه است. با آنکه سر رشته چندانی از علم اقتصاد و بازار سرمایه ندارم، با نگاهی به رویدادهای اجتماعی، گفت‌وگو با کارشناسان این حوزه و مرور نوسانات پولی اخیر، مشاهده می‌شود که در دو دهه گذشته بر اثر فعالیت غیرمسئولانه دولت‌ها، بانک‌ها، سازمان‌ها و نهادهای سهام‌دار، رشد نقدینگی نزدیک به صد برابر افزایش داشته است که این گویای ناکارآمدی ساختار نظام بانکی کشور است که منجر به خلق این حجم از نقدینگی شده است. به همین دلیل، هر چند سال یک بار منجر به از کنترل خارج‌شدن نرخ ارز می‌شود. به نظر می‌رسد مسئولان اقتصادی که اغلب حاضر به خروج از دهلیز شیوه‌های آزمون و خطای اسلفا خود نیستند، چشم خود را روی این عوامل بنیادی بسته‌اند و گزارش شفاف نیز به مقامات ارشد نمی‌دهند و بازخوانی سناریوی عوامل داخلی و خارجی موهوم را دلیل بی‌ارزش‌شدن پول ملی جلوه می‌دهند. در دورانی که حجم نقدینگی در جمهوری اسلامی صد برابر شده است، این حجم در اقتصادهای بزرگ جهان کمتر از ۱۰ برابر رشد داشته است و این تفاوت فاحش نشان می‌دهد که اقتصاد ایران از بیماری مزمنی در رنج است. فراموش نشود چنانچه رشد نقدینگی به پشتوانه دارایی و مایملک باشد، به خودی خود نمی‌تواند منجر به بی‌ارزش‌شدن پول ملی شود؛ مشکل آنجاست که نظام بانکداری کشور مملو از عدم بازگشت اقساط تسهیلات معوق و مطالبات سوخت‌اند این است که موجب انباشت کسری بودجه‌ای عظیم در نظام بانکی می‌شود و برای آشکارشدن این ضعف، سال‌هاست پرداخت سود بالا به سپرده‌گذاران به‌عنوان راه‌حلی پرعارضه در دستور کار قرار گرفته است و لاجرم نتیجه آن، رشد بی‌رویه حجم پایه پولی است که خود منجر به تحت فشار قرارگرفتن دارایی‌های خارجی بانک مرکزی می‌شود. در توضیح اینکه چه نوع سیکل مدیریتی منجر به تولید این چرخه می‌شود، باید گفت:

۱- اقتصاد ایران نفت‌محور است و نهادهای مولد اقتصادی بدون تکیه بر منابع نفتی و معدنی در ایران ناچیز است.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

آنان باید از سپنتا بیاموزند

دریافت یک فقره وام سه‌میلیون تومانی باید از هفت خان رستم بگذرد، اما فلان مدیر ارشد، فقط در قالب یک فقره امتیاز ناقابل، ملکی را در فلان محله مرغوب شهر با ۶۰۰ میلیون تومان تخفیف خریداری می‌کند، آن‌هم با اقساط

طولانی مدت و به این ترتیب شاهد شکل‌گیری یک طبقه جدید از مدیران مرفه در جامعه‌ای فقیر هستیم؛ همان‌گونه که میلیون جیلاس، مشاور سابق تیتو رهبر یوگسلاوی دهه ۶۰ میلادی نوید آن را در جامعه یوگسلاوی سابق می‌داد.

علت اصلی بروز این اختلاف طبقاتی این است که مدیران ارشد و سیاست‌گذاران وقت به جای اینکه مشکل کل اقتصاد کشور را حل کنند و با اصلاح رویه‌های تصمیم‌گیری و مدیریت، رونق اقتصادی را برای کشور به ارمان آورند و بازاراندیشی دارد که در زیر به آن می‌پردازم:

تلاش کردند مشکل خود و دوستان و بستگان خود را حل کنند. در بهترین شرایط آنان که نخبگان جامعه کارکنان دولت بودند، به جای حل مشکل همه کارکنان، مشکل خود را حل کردند و لاید می‌اندیشیدند که مردم اگر مشکلی دارند، خودشان به فکر باشند و راهی برای خود

با گذشت زمان، این شیوه به‌تدریج ناکارآمدی خود را نشان داد، زیرا به‌اصطلاح تفاوتی بین دوغ و دوشاب قائل نبود و مدیران ارشد و سیاست‌گذاران به فکر افتادند تا با ایجاد امتیازاتی برای نیروهای متخصص، امکان جذب آنان را فراهم کنند. طراحی «نظام هماهنگ پرداخت» واکنشی به بروز این مشکل بود که البته کارایی چندانی از خود نشان نداد. در نتیجه سازمان‌ها و نهادهای مختلف به فکر افتادند تا هرکدام با شیوه خاصی خود که لزوماً «هماهنگ» نبود، با این معضل برخورد کنند.

نتیجه این شد که با اعمال سلیقه برخی منتقدان و تشکیل گروه مدیران هم‌سود، به‌تدریج اختلاف طبقاتی بین مدیران و کارمندان عالی‌رتبه یا بقیه کارکنان دولت گسترده و گسترده‌تر شد، به‌گونه‌ای که اینک یک کارمند جزء بعد از سال‌ها خدمت صادقانه برای



ناصر ذاکری پژوهشگر اجتماعی

سپنتا نیکام، عضو منتخب شورای شهر یزد که از حضور در جلسات شورا بازماند، در آخرین اظهارنظر خود گفته است که خواسته او فقط حل مشکل خودش نیست و اگر این مشکل از پیش پای همه اقلیت‌های مذهبی کشور برداشته نشود، او حاضر به شرکت در جلسات شورا نخواهد بود.

ماجرای سپنتا نکات گفتنی و قابل‌تأمل فراوانی دارد که اهل نظر به جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند و همچنان خواهند پرداخت. اما این اظهارنظر اخیر وی از یک منظر ارزش درنگ و بازاندیشی دارد که در زیر به آن می‌پردازم:

با گذشت نزدیک به سه دهه از آن روزها که جریان افزایش امتیازات مدیران البته با روشی نادرست و تبعات به‌مراتب نادرست‌تر آغاز شد، این اظهارنظر سپنتا نیکام داغ دل بسیاری از ناظران و تحلیلگران ایران‌دوست را تازه می‌کند: اگر آن مدیران قدرتمند و صاحب‌نفوذ آن ایام به جای حل مشکل دریافتی اندک خود و مدیران هم‌سطح خود، به فکر کل جامعه بودند، مسیری غلط را پیش پای فرصت‌طلبان سال‌های بعد نمی‌گشودند که درخت را از بیخ درآورند، با این توجیه که مدیر قبلی سببی از آن خورده است.

ای کاش اندکی از این علو طبع و صبوری درخشان سپنتای جوان ما در وجود آنان بود و به شکاری فربه‌تر از منافع شخصی و گروهی می‌اندیشیدند و می‌گفتند: «تا مشکل همه مردم بشورمان حل نشود، ما از این امتیازات اغواکننده استفاده نخواهیم‌کرد». ای کاش آنان نیز همانند سپنتا عطای این امتیازات تبعیض‌آمیز را به لقایش می‌بخشیدند تا گامی برای حل مشکل جامعه و نه خودشان بردارند.

ای کاش آنان از سپنتا و سپنتاها یاد می‌گرفتند.

یادداشت

سال حمایت از نخبگان ایرانی؟

سرویس تبادلات دانشگاهی آلمان تمام کردم، نه مشکل سربازی داشتم و نه تعهدی به جایی. وقتی من با چند فارغ‌التحصیل دیگر برای گرفتن مدرکمان نزد خانم فریوسفور «کامون»، رئیس دانشکده رفته بودیم، ایشان از همه ما سؤال مشترکی پرسیدند: برنامه شما برای بعد چیست؟ گفتیم من بلیت گرفته‌ام و ۴۸ ساعت دیگر به ایران برمی‌گردم. او از پاسخ من سخت تعجب کرد و پرسید که آیا تصمیم من درست است؟ من برایش توضیح دادم که «من به ساختن وطنم اعتقاد دارم. مهم‌ترین درسی که من از چهارسال‌ونیم اقامت در آلمان آموخته بودم، وطن‌دوستی شما آلمانی‌هاست». الان ۲۰ سال است به ایران آمده‌ام. معلمی کرده‌ام و برای شناخت سرزمینم آنچه در توان داشتم، انجام داده‌ام. خوبی و بدی‌اش را نمی‌دانم، معتقدم تاریخ آن را ارزیابی خواهد کرد. داستان تلخی‌هایی که بر من گذشته

متنوی ۲۰ من کاغذ است، اما همچنان بر انتخاب خود هستم. تلخ‌ترین اتفاق این ۲۰ سال برای من این بود که وقتی می‌بینم بهترین تربیت‌شده‌های ما یکی‌یکی رفتن را بر مانند در ایران ترجیح می‌دهند، بدون اغراق اشک می‌ریزم، چون می‌دانم ایران را باید ایرانی بسازد و رفتن هر ایرانی متخصص یعنی از دست‌دادن سرمایه‌ای بزرگ که با هیچ عدد و رقمی جبران نمی‌شود.

۴. امسال سال حمایت از کالای ایرانی نام گرفته، نامی که بحق شایسته است و شکی هم نیست که اگر ما از کالای ایرانی که با دست‌ها و بازوان ایرانی ساخته شده است، حمایت نکنیم، هرگز ایران بر

شانه‌های مردمانش سربا نخواهد ماند...



حسین آخانی استاد دانشگاه تهران

۱. سال ۱۳۷۲ من در مؤسسه گوته آلمان در شهر گوتینگن، زبان آلمانی می‌آموختم. معلم زبان از همه سؤال کرد: نظرتان درباره آلمان چیست؟ هرکس چیزی می‌گفت، یکی گفت مردمی سخت‌کوش، دیگری گفت کشوری نژادپرست؛ اما یک فرانسوی جمله فشنگی گفت. او با زبان دست‌وپاشکسته‌اش گفت: «ما در فرانسه معتقدیم آنچه آلمانی است، خوب است و کیفیت دارد». او با نشان دادن کتاب واژه‌نامه گفت: «وقتی روی این کتاب نوشته باشد Made in Germany همه مطمئن هستند که این بهترین است».

۲. چند سالی که من در آلمان دوران تحصیل گذرتم را می‌گذراندم، شاهد اتفاقات خوب و بد زیادی بودم. یادم می‌آید یک بار دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان اعتصاب کرده و در خیابان‌ها تظاهرات راه انداخته بودند. آنها به افت کیفیت آموزش در مدارس معترض بودند و می‌گفتند معلمان ما باید ساعات زیادی درس بدهند و به‌همین‌دلیل کیفیت آموزش در مدارس پایین آمده است. آنها خواهان استخدام

معلمان بیشتر و جوان‌تر بودند. به رادیو گوش می‌دادم، خانمی می‌گفت: «ما در آلمان نفت نداریم، معدن طلا نداریم، تنها سرمایه ما علم و آموزش ماست. اگر علم ما افت کند، اقتصادمان فرومی‌ریزد».

۳. من دوره دکتریم را در سال ۱۳۷۷ با بورس

ادامه در صفحه ۶

پیشرفت هزینه دارد

www.saravel.com

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

برادر بزرگوار جناب آقای پوربخش

مدیرعامل محترم روزنامه رسالت

مصیبت درگذشت مادر گرامیتان

را به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت

عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای

آن مرحومه علو درجات و برای شما

و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزومندیم.

محمد امیرمظاهری – مهدی رحمانیان

ابوالفضل سلطانی – مجید بنفشی

ادامه در صفحه ۶